

**الناز شاکر دوست در اولین گفت‌وگوی مطبوعاتی‌اش، از کار در مطبوعات می‌گوید؛ کاری که انگار قفل سکوتش را شکسته**

# هنوز هم حرفی برای گفتن ندارم

احسان ناظم‌بکایی – پوریا تابان

«من با یک شرکت قرارداد دارم، نمی‌توانم مصاحبه کنم». این تکراری‌ترین جمله‌ای بود که شاکر دوست در برابر درخواست خبرنگاران برای مصاحبه رو می‌کرد. اینکه این شرکت چی بود، هیچ‌کس نمی‌دانست. روزگار چرخید تا گذر او به اهالی مطبوعات افتاد و مثل خیلی از ستاره‌های سینمایی، نامش روی جلد یکی از نشریات به عنوان عضو تحریر به نقش بست. شاکر دوست در کنار گلزار، فروتن و چند نام آشنای دیگر، در این مجله، پیشنهاد و یادداشت می‌نویسند. گفت‌وگو حول و حوش حضور ستاره‌ها، در مطبوعات سرانجام سکوت این بازیگر ۲۴ساله را شکست؛ بازیگری که در عرض ۴سال اخیر، حداقل در ۲۰فیلم بازی کرده. کارنامه شاکر دوست بیشتر یک کارنامه و ملغمه‌ای از سینمای گیشه پسند است تا یک روند هنری رو به جلو ولی تنوع کار در آن بد نیست؛ از دختر شل و ول در «مجردها» تا دختر سرتق نسل سومی «چه کسی امیر را کشت»؛ از فیلم جنگی «توبوس شب» تا فیلم معناگرای «خدا نزدیک است». قبل از مصاحبه، برای عکاسی به کیوسک زیر پل کریم‌خان رقتیم تا آنجا در داخل گیشه به ملت مجله بفرودشد. هجوم جمعیت به کیوسک نیمه خلوت زیر پل نشان داد حضور ستاره‌ها در مطبوعات و تب آن، کاملا جذاب است.



● چی شد که وارد عالم مطبوعات شدید؟

همیشه محیط مطبوعات را دوست داشتم. از طرف دیگر نشریات زرد هم بودند که جایگاه امنی برای برقراری ارتباط نبودند.اما این فضا جایگاه امنی است که مامن خوبی برای مخاطبان بوده و فضای سالمی دارد.

● یعنی ستاره‌ها وقتی می‌بینند این فضا هست، می‌آیند؟

برای من ورود به این فضا بعد از اینکه پیشنهادش را گرفتم پیش آمد چون نه تخصصش را دارم و نه حرفه‌ام این است ولی دوست داشتم بتوانم دست‌نوشته‌های پراکنده‌ام را جایی جمع‌آوری کنم؛ ضمن اینکه این کار باعث شده درون‌گراتر شوم و بابت این اتفاق خوشحالم.

● شما کار مطبوعاتی‌تان را با «دبیری بخش آزاد» شروع کردید. فکر می‌کنید، به اهدافی که می‌خواستید رسیدهاید؟

به معنای واقعی، نه هنوز؛ شاید به دلیل مشغله کاری‌ای که داشتم اما همه تلاشم را کردم. البته من برای عنوان بخشی که برای نوشتن انتخاب کردم، دلیل مهمی داشتم. دوست داشتم بدون محدودیت بتوانم درباره همه‌چیز حرف بزنم؛ گاهی درباره مسائل اجتماعی، گاهی درباره مسائل سینما یا هر چیزی…

● تا پیش از این هیچ‌وقت با هیچ‌کدام از مطبوعات مصاحبه نکرده‌اید. پس چطور شد که کار در مطبوعات را قبول کردید؟ یعنی الان در فضایی کار می‌کنید که قبلا میانه چندان خوبی با آن نداشتید.

مجله‌ای که به من پیشنهاد کار داد (مجله رویش)، من را به عنوان یک ابزار نمی‌خواست. نمی‌خواست از من به‌عنوان یک مصاحبه شونده استفاده کند. قرار بود من حرف‌هایی را بزنم که خارج از محدوده مصاحبه‌کننده و مصاحبه‌شونده است. در آنجا من این جایگاه را داشتم و این امکان برایم به‌وجود آمده بود. حتی قبل از این فعالیت رسمی، یک‌بار من در زمان جشنواره فیلم فجر درباره فیلم خسرو معصومی مطلبی نوشتم و چند برگ از نوشته‌های شخصی‌ام را با عنوان «از‌های افشا شده یک بازیگر» به مجله فیلم دادم که هم در مجله فیلم و هم در جاهای دیگر چاپ شد.

● گفتید خیلی از مطبوعات می‌خواستند از شما به عنوان یک ابزار استفاده کنند اما بسیاری از آنها با استفاده از عکس‌های شماروی جلدشان، هم محبوبیت شما را بالا بردند و هم فروش خودشان را تضمین کردند.

بله، این تقابل که صددرصد است… این یک تجارت ۲طرفه است و من بعد از چند سال، تازه کاملا قبولش کرده‌ام تازه می‌تونم با این موضوع کنار بیایم. یک دلیل دیگر برای مصاحبه نکردنم در این چندسال این بود که حرفی برای گفتن نداشتم. هنوز هم حرفی برای گفتن ندارم. حرف من کار من است اما متأسفانه خیلی وقت است که کارهایم –به‌خصوص کارهایی که دوستان دارم –اگران نشده‌اند.

● بازیگری که مشاور مطبوعاتی می‌شود، چه کاری انجام



می‌دهد؟

تعریف من این بود که جایگاهی داشته باشم و تریبونی که کاملا از نظر مخاطب قابل اعتماد باشد؛ یعنی مخاطب مطمئن باشد که آنچه می‌خواند، واقعا حرف خود من است چون در حال حاضر مخاطب ما آن‌قدر امنیت خاطر ندارد که وقتی حرفی را می‌خواند، مطمئن باشد که آن حرف واقعا مربوط به خود گوینده است؛ چراکه بعضی اوقات مطبوعات سوءاستفاده می‌کنند و کلمات و جمله‌ها را بازپچه‌قرار می‌دهند تا صرفا مخاطب را جذب کنند.

● یعنی حرف‌های خودشان را از دهان شما می‌نویسند؟

کاملا. اما من دنبال فضایی بودم که دست‌نوشته‌هایم را چاپ کنم؛ برای خودم، مخاطب و کسانی که دوست دارند دست‌نوشته‌هایم را بخوانند و همین که این کار باعث درونگرا شدنم شده، خوشحالم.

● یعنی کار در مطبوعات باعث درون‌گرایی آدم‌ها می‌شود؟

بستگی دارد؛ اگر به عنوان یک شغل باشد –مثل شکلی که برای شمامت –نه اما برای من بله، برای من کاملا فرق می‌کند.

● یعنی کار در مطبوعات برایتان شغل نیست؟

شود مطلب خوب آن دبیری که نوشته‌هایش ارزشمند بوده و سال‌هاست که می‌نویسد، دیده شود و مخاطب هم واقعا به خواندن علاقه‌مند شود. فکر می‌کنم این رابطه یک رابطه کاملا ۲طرفه است.

● منظور تان این است که شما ستاره‌ها شهرتی دارید و وقتی مثلا عکس یک ستاره که خودش مشاور هنری یک مجله است، روی جلد آن مجله می‌رود باعث خواننده شدن مجله می‌شود؟

خب بی‌تاثیر نیست اما نه اینکه کاملا موثر و تضمین‌کننده باشد. به نظر من حضور عزیزانی که حرفه‌ای و تخصصی کار می‌کنند موثر است؛ مثل مجله شما که خب یک مجله پرفروش است و ستاره‌ای هم در مجله‌تان نیست که بتواند باعث فروش بشود اما خب حضور ستاره‌هایی‌تاثیر هم نیست.

● اما یک ستاره چرا باید دغدغه این ماجرا را داشته باشد؟ یعنی بازیگرها در شغل خودشان ارضا نمی‌شوند؟

نه، اصلا این‌طور نیست. به نظر من شما منفی‌نگاه می‌کنید، خب، یک بازیگر هیچ‌گاه آرام و قرار ندارد چون همیشه در زندگی‌اش نقش‌های مختلفی را بازی کرده؛ مثلا همین دبیر بودن من هم یک بازی است اما یک مقدار جدی‌تر است و در زندگی شخصی‌ام تاثیر می‌گذارد. مطبوعات یکی از بازی‌های من است که واقعا دوستش دارم.

● تا حالا در مطبوعات با کسی آشنا بوده‌اید که دبیر بوده باشد و کارش را از نزدیک دیده باشید؟

خب، وقتی قرار شد این کار را قبول کنم، قبلیش یک سری اطلاعات گرفتم برای یاد گرفتن. اما این کار خیلی سخت است، خیلی.

● چطور این اطلاعات را به دست آوردید؟ مثلا آنها‌یی که در مطبوعات هستند، هر روز مطبوعات را به دقت می‌خوانند.

اما من می‌خواستم دلی‌کار کنم؛ با وجود این سعی می‌کردم چیزهایی را با خواندن یاد بگیرم.

● اما وقتی مطلبی چاپ شد، دیگر باید آماده فحش خوردن باشید؟

خب، من همیشه قبل از چاپ مطلبی که می‌نوشتم، با آدم‌های متخصص مشورت می‌کردم.

● روزانه چقدر مجله می‌خوانید؟

اگر بخواهم دروغ نگویم، حتما روزانه ۱۰ دقیقه مجله می‌خوانم. خب این لازمه کار ماست که اخبار کارمان را از خواندن مطبوعات به دست بیاریم؛ به‌خصوص برای من که دوستان سینمایی زیادی ندارم و در جریان امور نیستم و از همین طریق از اخبار باخبر می‌شوم.

● جز خواندن اخبار، مطالب خودتان را هم می‌خوانید؟

بله، وقتی مطلب چاپ می‌شود اولین نفری هستم که مطلب خودم را می‌خوانم. با اینکه کاملا می‌دانم مطلبی که نوشتم چیست ولی وقتی چاپ شده‌اش را می‌بینم، لذت خاصی دارد. مثل همان بازیگری که با اینکه می‌داند چه کار کرده ولی وقتی کار را تدوین شده روی پرده سینما می‌بیند، آن‌وقت لذت دیگری می‌برد.

● آمار دارید که ماهانه چقدر خرج روزنامه و مجله می‌کنید؟

مجله‌ها را مادرم می‌خرد. باید بیرسم چقدر هزینه می‌کند.

● مجله‌های مورد علاقه‌تان چیست؟

مجله فیلم را خیلی دوست دارم. همین مجله شما را هم می‌خوانم چون خواهر کوچکی دارم که همیشه مجله شما را می‌خواند. بانی فیلم هم جزو مجله‌هایی است که می‌خوانم. اما قبل از همه اینها، مجله مورد علاقه‌ام که آن‌قدر می‌خوانشم که کهنه می‌شود، مجله گلستانه است.

عاشق این مجله هستم. از دوران پیش‌دانشگاهی این مجله را می‌خواندم. ولی مجله تخصصی سینمایی‌ای نبوده که بخونم و می‌خواندم و ازشیو می‌کردم.

● مطالبی بوده که به عنوان یک مشاور مطبوعاتی

دلناتن بخواهد در مجله خودتان کار کنید؟

خب بله، من طرح‌های روی جلد مجله شما را خیلی دوست دارم. این نوع جلدها باعث می‌شود آن تفکری

که دوست دارید، دیده شود.

## ۳۳

همشهری جوان

شماره ۲۰۴ ● ۱۰ اسفند ۸۷

الناز شاکر دوست از بازیگری در سینما می‌گوید

### قبلا خیلی شوق داشتم

● چرا این‌قدر کار می‌کنید؟ چرا این‌قدر فیلم‌ها یتان زیاد است؟

نه، اصلا این‌طور نیست. من مدت زیادی است که کار نکردام. شاید یک دلیل اینکه به نظر می‌رسد بازیگرهای سینما کارشان زیاد است، این است که ما در سینما واقعا بازیگر کم داریم. چه بازیگر دختر و چه بازیگر پسر و این کمبود باعث شده تعداد فیلم‌های بازیگرها زیاد شود. ولی الان ۲سال می‌شود که من مثل ابتدای ورودم به سینما کار نمی‌کنم، یک مقدار گزیده‌تر کار می‌کنم.

● الان ترجیح می‌دهید در سال در چند فیلم بازی کنید؟

در حال حاضر هیچ کاری انجام نمی‌دهم و بعد از «دلخون» ترجیح دادم کار نکنم تا اینکه هر کاری را انجام دهم، چون الان فیلمنامه‌های ما خیلی ضعیف شده، فقط اسم‌های فیلمنامه‌ها تغییر کرده و لوکیشن کافی‌شاپ‌ها عوض شده و گر نه فیلمنامه‌ها همه شبیه به هم هستند. یک بازیگر این امکان را ندارد که بتواند حرکتی انجام دهد.

● آخرین فیلمی که بازی کردید کی بوده؟

۵ ماه پیش.

● ۵ ماه مدت زیادی است؟!

خب، خیلی زیاد است؛ با توجه به اینکه تعداد بازیگرهای دختر سینمای ما به تعداد انگشت‌های دست است، ۵ ماه بازی نکردن زمان خیلی زیادی است. قبلا خیلی کار می‌کردم و خیلی شوق و شور داشتم ولی الان حس می‌کنم یا باید کار نکنم یا کار خوب انجام بدهم.

● اشباع شده‌اید؟

نه، اشباع قضیه‌اش فرق می‌کند.

● خسته شده‌اید؟

نه خسته نشده‌ام حس می‌کنم سقف بازیگری در سینمای ایران خیلی کوتاه است.

● خوب اگر سقشش این‌قدر کوتاه است، چه فرقی می‌کند که ۶ ماه یک بار کار کنید یا هفته‌ای یک بار؟

خب، بازیگر هم روزمرگی می‌آورد و خسته‌کننده می‌شود.

● چرا بازی در تلویزیون را تجربه نمی‌کنید؟

من کار در تلویزیون را دوست دارم اما بازی در تله فیلم را دوست ندارم و هیچ وقت هم بازی نخواهم کرد چون تله فیلم‌ها به خاطر زمان محدودی که دارند دقت ندارند و اسم هنسر در آنها جریان ندارد و صرفا یک کار سفارشی است و من اصلا چنین تجربه‌ای را دوست ندارم.

● یعنی سریال بازی می‌کنید؟

اگر نقش ماندگاری پیشنهاد بشود دوست دارم بازی کنم. حتی به نظر من بازی کردن در یک سریال سخت‌تر از یک فیلم سینمایی است چون سینما یک تعداد محدودی مخاطب دارد که فیلم را انتخاب می‌کنند اما در تلویزیون تو باید جواب مخاطب ۷۰ میلیونی را بدهی و باید آن‌قدر خوب باشی که بتوانی از این تجربه سربلند بیرون بیایی.

● نقشی بوده که در سریال‌ها دیده باشید و دوست داشته باشید بازی‌اش کنید؟

نمی‌تونم نقش خاصی را بگویم. نقشی نبوده که بگویم دیده‌ام و دلم می‌خواست جای بازیگرش باشم.

● یعنی در سریال‌ها هیچ نقشی نبوده که دوستش داشته باشید؟

خب چرا، مثلا قطام در سریال امام علی <sup>(ع)</sup> ◄

الناز شاکردوست با بازی در فیلم‌هایی مثل «توبوس شب» «کل‌یخ» و «بی‌وقه» نقش‌های متفاوتی را تجربه کرد. او برای بازی در فیلم «توبوس شب» کیومرث پوراحمد کاندیدای سیمرغ بهترین بازیگر نقش زن شد